



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان جنگ سرد و دگرگونی سیاست خارجی ژاپن

۱۳۸۱ / ۱ / ۲۰

نگارش:

شیرزاد فلاح آزاد

016624

۱۳۸۱ / ۱ / ۲۰

استاد راهنما:

دکتر ابومحمد عسگرخانی

استاد مشاور:

دکتر احمد ساعی

وزارتخانه سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

ع. م.

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته روابط بین الملل

اسفند ۱۳۸۰



فرم ارزیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: روابط بین الملل

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: شیرزاد فلاح آزاد به شماره دانشجویی: ۲۱۰۲۷۹۰۱۱ در رشته: روابط بین الملل

گرایش: روابط بین الملل پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی: ۸۰-۸۱-۱ اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: پایان جنگ سرد و دگرگونی سیاست خارجی ژاپن

داور

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر عسگر خانی استاد مشاور: دکتر ساعی استاد ملا/وردوم (حسب مورد): دکتر مصفا در تاریخ: ۸۰/۱۲/۱۸ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبۀ علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر ابومحمد عسگر خانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر احمد ساعی	دانشیار	" " "	
۳- استبد داور: دکتر نسرین مصفا	استادیار	" " "	
۴- استبد داور:			
۵- استبد داور یا استاد مشاور در:			

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

نمره نهایی هیأت داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر یوسف مولایی

امضاء و تاریخ:

۸۰/۱۲/۱۸

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد. تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

تقدیم به

پدر و مادرم

به پاس

همه تشویق‌ها

و

فداکاری‌هایشان



قدردانی

ضمن تشکر از استاد گرامی دکتر قاسم افتخاری که با راهنمایی‌های خود نقش ارزنده‌ای در پیشبرد پژوهش‌های دانشجویان روابط بین‌الملل ایفاء می‌کنند، از همکاری و نظرات اساتید محترم دکتر ابومحمد عسگرخانی و دکتر احمد ساعی سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از بخش فرهنگی سفارت ژاپن به لحاظ در اختیارنهادن برخی منابع مورد نیاز این پژوهش قدردانی می‌نمایم.

چکیده

تصور کلاسیک از ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم این بود که این کشور یک غول اقتصادی و یک کوتوله سیاسی بود که تمام تلاش‌هایش بر اساس دستیابی به اهداف یکجانبه اقتصادی استوار بود و مسائل سیاسی و امنیتی جامعه بین‌المللی برای این کشور از اهمیت کمتری برخوردار بود. در حالیکه این تصور چندان هم دور از واقعیت نبود ولی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد، ژاپن کوشیده است تا بین توان اقتصادی و نفوذ سیاسی‌اش در جامعه جهانی یک هماهنگی برقرار کند. از اینرو در دهه گذشته سیاست خارجی ژاپن با در پیش گرفتن جهت‌گیری‌های نوین در پی آن بوده است تا خودش را از سیاست‌های انفعالی گذشته دور نماید.

این پژوهش ضمن توجه به جایگاه جهانی و منطقه‌ای ژاپن و نیز تحولات جامعه ژاپن در دهه گذشته و تأثیرات آنها بر تحول سیاست خارجی این کشور، تلاش می‌کند تا پیامدهای پایان جنگ سرد و ویژگی‌های دوران پس از آن را بر دگرگونی سیاست خارجی ژاپن مورد بررسی قرار دهد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	بخش اول
	فصل اول : چارچوب کلی پژوهش
۳	الف - طرح موضوع.....
۱۱	ب - بررسی آثار.....
۱۶	پ - هدف پژوهش.....
۱۷	ت - متغیرهای دخیل.....
۲۰	ث - فرضیه‌ها.....
۲۱	ج - فرضیه اصلی.....
۲۴	چ - روش آزمون فرضیه‌ها.....
۲۵	ح - پیامدهای اثبات فرضیه اصلی.....
۲۵	خ - نقطه تمرکز.....
۲۵	د - سازماندهی پژوهش.....
	فصل دوم : جایگاه جهانی و منطقه‌ای ژاپن
۲۷	جایگاه جهانی.....
۳۰	جایگاه منطقه‌ای.....
۳۲	افزایش انتظارات جامعه بین‌المللی از ژاپن.....

صفحه	عنوان
۳۳	بحران خلیج فارس و تحقیر سیاست خارجی ژاپن
۳۵	اصلاح ساختار دیپلماسی ژاپن

فصل سوّم: تحولات جامعه ژاپن

۳۹	تحولات سیاسی
۴۱	اصلاحات و جهت‌گیری‌های نوین سیاسی
۴۴	تحول در نگرش‌های افکار عمومی
۴۹	تأثیر تحولات داخلی بر سیاست خارجی ژاپن
۵۴	پی‌نویس‌های بخش اول

بخش دوّم

فصل اوّل: فروپاشی بلوک شرق و کاهش تهدیدات امنیتی برای ژاپن

۶۴	امنیت ژاپن در دوران جنگ سرد
۶۷	فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد
۶۸	ژاپن و روسیه در دوران بعد از شوروی
۷۰	امنیت ژاپن در رابطه با چین و شبه جزیره کره
۷۶	امنیت ژاپن در دوران پس از جنگ سرد

عنوان	صفحه
فصل دوم: شکل‌گیری ساختار نوین قدرت در جهان	
تعریف ساختار سیستم.....	۸۱
ظهور نظم نوین.....	۸۲
ارزش‌های حاکم بر نظم نوین.....	۸۴
تعریف‌ها و نگرش‌های مختلف از ساختار نوین قدرت.....	۸۶
جایگاه و نقش ژاپن در نظم کنونی.....	۹۰
فصل سوم: همکاری‌های چند جانبه برای حل و فصل مسائل و مشکلات جهانی	
ضرورت همکاری‌های چند جانبه.....	۹۳
مشکلات محیطی.....	۹۵
خطرات سلاح‌های هسته‌ای.....	۹۶
تروریسم و جنایات سازمان‌یافته.....	۹۷
بیماری‌های واگیردار و مشکلات جمعیتی.....	۹۸
نقش ژاپن در حل و فصل مسائل و مشکلات جهانی.....	۹۹
فصل چهارم: تاکید بر توسعه و تلاش برای پیشبرد ارزش‌های دموکراتیک و جهانشمول	
کشورهای توسعه‌نیافته و گرایش بیشتر به توسعه.....	۱۰۶
جهانشمول‌شدن حقوق بشر و دموکراسی.....	۱۰۷

صفحه	عنوان
۱۰۸.....	ژاپن و کمک رسمی توسعه (ODA).....
۱۱۴.....	ژاپن و سیاست حقوق بشر.....
فصل پنجم: منطقه گرایی و افزایش رقابت و همکاری بلوک‌های اقتصادی	
۱۱۹.....	اهمیت منطقه گرایی.....
۱۲۳.....	منطقه گرایی در حوزه آسیا - پاسفیک.....
۱۲۶.....	اتحادیه اروپا.....
۱۲۷.....	نفتا.....
۱۲۸.....	منطقه گرایی در امریکای لاتین و افریقا.....
۱۲۹.....	ژاپن و منطقه گرایی.....
۱۳۳.....	نتیجه گیری.....
۱۳۴.....	پی‌نویس‌های بخش دوم.....
۱۴۷.....	فهرست منابع.....

بخش اول:

فصل اول:
چارچوب کلی پژوهش

فصل دوم:
جایگاه جهانی و منطقه‌ای ژاپن

فصل سوم:
تحولات جامعه ژاپن در دهه ۱۹۹۰

چارچوب کلی پژوهش

فصل اول

الف - طرح موضوع

با پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن بازسازی اقتصادی و احیای مجدد توان تولیدی کشور را در بالاترین مرتبه هدف‌های ملی و سیاست خارجی خود قرار داد. بهره‌گیری از تمامی امکانات و تخصیص منابع در خدمت رسیدن به اهداف مزبور بود و تمام دولت‌هایی که بر سر کار می‌آمدند مسائل و اهداف اقتصادی را در سرلوحه برنامه کاری خود قرار می‌دادند. استراتژی ملی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم بر تعقیب اهداف اقتصادی در خارج به منظور پیشبرد رشد اقتصادی در داخل مبتنی بود. این سیاست با دوری‌گزیدن از مسائل امنیتی و موضوعات ژئوپولیتیکی همراه بود و ژاپن عهده‌دار شدن چنین مسائلی را به ایالات متحده واگذار نمود و خود بر مسائل سیاسی منفردی که منافع داخلی را تامین می‌کرد تمرکز نمود.

سیاست خارجی ژاپن در بخش عظیمی از دوران پس از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۹۰ بیشتر بر اساس «دکترین یوشیدا»^۱ (۱) استوار بود. بر اساس این دکترین، ژاپن بازسازی اقتصادی را در رأس اهداف ملی خود قرار داد و از درگیر شدن در مسائل سیاسی - نظامی جامعه بین‌الملل خود را کنار کشید. همزمان ژاپن برای تأمین امنیت بلندمدت خود، پایگاه‌هایی را در اختیار نیروهای امریکایی قرار داد و به همکاری اقتصادی و سیاسی بسیار نزدیکی با ایالات متحده مبادرت ورزید. سیاست خارجی ژاپن در بیشتر این دوران، در اصل هماهنگ شدن با سیاست‌هایی بود که ایالات متحده اتخاذ می‌نمود. به همین دلیل است که سیاست خارجی ژاپن در این دوران نوعی سیاست انفعالی محسوب می‌گردد.

خط‌مشی‌های اساسی دکترین یوشیدا که به مدت چند دهه به سیاست خارجی ژاپن به

1- Yoshida Doctrine

خوبی خدمت کرده بود دیگر برای دوران پس از پایان دهه ۱۹۸۰ کارایی لازم را نداشت. دنبال کردن اهداف یکجانبه اقتصادی، پیروی کردن از سیاست‌های ایالات متحده و اتخاذ سیاست‌های انفعالی و واکنشی در مقابل مسائل بین‌المللی بعد از ۱۹۹۰ تأمین‌کننده منافع ملی و بین‌المللی ژاپن نبود. از اینرو سیاست خارجی ژاپن از آغاز دهه ۱۹۹۰ شاهد تغییر و تحولات عمده‌ای بوده است که با دوران قبل آن تفاوت‌های اساسی دارد. به موجب این تغییرات، ژاپن در جهت کسب نفوذ بیشتر در سطح جهانی و منطقه‌ای برآمده و سعی کرده است تا از حالت انفعالی در صحنه سیاست جهانی خارج شده و بین توان اقتصادی و نفوذ سیاسی‌اش هماهنگی برقرار نماید. از اوایل دهه گذشته ژاپن رفته رفته سیاست‌های انزواگرایانه خود را کنار نهاده و یک رهیافت بیشتر جهانی و همکاری جویانه را در سیاست خارجی دنبال کرده است. نقشی که ژاپن بعد از ۱۹۹۰ در عرصه بین‌المللی بازی کرده است، به طور عمده منعکس‌کننده فعال شدن سیاست خارجی این کشور، تلاش فزاینده برای تعقیب اهدافی با درجه بالاتری از اهمیت و کوشش برای قبولاندن این نقش فعال خود به جامعه بین‌المللی بوده است. ژاپن در جستجوی یک نقش جسورانه‌تری در جامعه بین‌المللی برآمده که بر اساس آن کوشیده تا بیشتر بر خود متکی شده و حوزه منافع خود را از امور داخلی به امور بین‌المللی گسترش دهد.

به طور کلی می‌توان گفت تحولاتی که از آغاز دهه گذشته در دیپلماسی ژاپن به وقوع پیوسته است، سیاست خارجی این کشور را در جهت رسیدن به یک وضعیت متعادل و طبیعی پیش برده است. هدف اصلی از دنبال کردن چنین سیاست‌هایی، ایجاد تناسب و سازگاری بین قدرت اقتصادی و سیاسی ژاپن بوده است. تحول سیاست خارجی ژاپن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی قابل بررسی است.

در بُعد سیاسی، تلاش‌های ژاپن در فرایند منجر به ایجاد صلح در کامبوج (۲) اولین تجربه دیپلماسی فعال ژاپن در دهه ۱۹۹۰ می‌باشد (۳). در این راستا، ژاپن یک نقش عمده‌ای در کمک به تدوین «موافقت‌نامه صلح پاریس»^۱ در اکتبر ۱۹۹۱ در میان جناح‌ها و طرف‌های متعدد درگیر در کامبوج بازی نمود. دو سال بعد در سال ۱۹۹۳، ژاپن خود میزبان کنفرانس صلح مشابهی در مورد کامبوج بود. برای اولین بار بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن از اکتبر ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۳ در عملیات حفظ صلح ملل متحد در کامبوج شرکت نمود. در حل بحران کامبوج و فعالیت‌های حفظ صلح ملل متحد در این کشور، ژاپن در واقع نقش رهبری را ایفا نمود. در سال ۱۹۹۸ هم در فرآیند آشتی ملی و انجام انتخابات آزاد و عادلانه در کامبوج، ژاپن تلاش‌های زیادی نمود.

اگرچه کوشش‌های ژاپن در کامبوج نقطه آغازی در تحول دیپلماسی ژاپن در دهه ۱۹۹۰ محسوب گردید ولی تصویب «قانون همکاری صلح بین‌المللی»^۲ توسط پارلمان ژاپن^۳ در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار بود. بعد از نزدیک به یک دهه از تصویب این قانون، بحث‌های مطرح‌شده پیرامون آن و ابعاد و پیامدهای ناشی از تصویب چنین قانونی هنوز در جامعه ژاپن بویژه در پارلمان و دولت این کشور و در بین کشورهای همسایه ژاپن و در کل جامعه بین‌المللی پایان نیافته است. این قانون؛ که در دهم آگوست همان سال ۱۹۹۲ به مرحله اجرا درآمد؛ موجب مهم‌ترین تغییر در سیاست خارجی و نظامی ژاپن بعد از پایان جنگ دوم

1- The Paris Peace Accord

2- International Peace Cooperation Law

3- Diet

جهانی و از زمان ایجاد «نیروهای دفاع از خویش» (SDF)^۱ در دهه ۱۹۵۰ شد (۴) و موجبات یک تغییر بنیادی در روند سیاست خارجی ژاپن را فراهم آورد (۵). تصویب این قانون که باعث شد ژاپن علی‌رغم محدودیت‌های قانون اساسی اش (۶) بعد از حدود چهار دهه قوای خود را به ماوراء بحار بفرستد، قبل از هر چیز بیانگر این بود که این کشور قصد دارد برای کمک به حفظ و امنیت جامعه بین‌المللی به کمک انسانی مبادرت ورزد و دیگر چون گذشته به کمک مالی بسند نکند و در عین حال نشانی از ریسک‌پذیری این کشور در به خطر انداختن جان افراد خود هم بود. از زمان اجرای قانون همکاری صلح بین‌المللی، ژاپن نیروهای دفاع از خویش خود را در سال ۱۹۹۲ به کامبوج و السالوادور، در سال ۱۹۹۳ به موزامبیک، در سال ۱۹۹۴ به زئیر و کنیا و در سال ۱۹۹۶ به ارتفاعات جولان در سوریه ارسال نمود. مأموریت نیروهای حافظ صلح در ارتفاعات جولان در سال ۱۹۹۷ برای دو سال دیگر تمدید گردید (۷). به منظور حمایت از عملیات بین‌المللی به رهبری ایالات متحده علیه تروریسم در افغانستان، دولت ژاپن واحدهایی از نیروهای دفاع از خویش را در جهت حمایت تدارکاتی و پشتیبانی به اقیانوس هند اعزام نمود. در این رابطه ابتدا در نهم نوامبر ۲۰۰۱، دو ناوشکن و یک کشتی تدارکاتی و در ۲۶ نوامبر هم سه کشتی دیگر آب‌های ژاپن را برای پیوستن به نیروهای آمریکایی در اقیانوس هند و دریای عرب ترک کردند. (۸)

از ابعاد سیاسی دیگر فعال‌شدن دیپلماسی ژاپن، تلاش جدی و مداوم این کشور در دستیابی به یک کرسی دائم و حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است. هدف اصلی ژاپن در این رابطه این است که می‌خواهد بر فرآیندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی نفوذ و تأثیر

1- Self-Defence Forces